

اجبار به تن فروشی، راه فرار کدام است؟

Photo: Kamira/bigstockphoto.com

خانه امن: پاسخ‌های این قسمت به صورت عمومی و برای عرضه به گروه بزرگی از مخاطبان طراحی شده است و به هیچ‌وجه نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای خاص و شخصی افراد باشد. برای بررسی دقیق‌تر مشکلات، ما مشاوره‌های انفرادی را توصیه می‌کنیم، که از حوزه توانایی‌های خانه امن خارج است.

رزا خورشیدی، مشاور خانواده

پرسش: دختری هستم 16 ساله که پدرم سال‌ها پیش فوت کرده است و مادرم من را سرپرستی می‌کند در واقع در خانه او زندگی می‌کنم. یکسال است که اجازه مدرسه رفتن به من نمی‌دهد و من را مجبور به تن فروشی می‌کند. مشتری می‌آورد و من قادر به مقاومت در مقابل او نیستم. از خودم متنفرم و از مردها می‌ترسم. همیشه کابوس می‌بینم. دو بار دست به خودکشی زده‌ام. نمی‌دانم چطور از این فکرها خلاص شوم. نمی‌دانم چطور تحمل کنم تا بالاخره از دست او خلاص شوم.

پاسخ: دختر عزیزم سوال تو یکی از دردناکترین سوالهایی است که تا کنون دریافت کرده‌ام. به طوریکه دست‌اندرکاران سایت خانه امن معتقد بودند به خاطر اینکه این مسئله بسیار نادر است و رواج ندارد، بهتر است از طرح آن خودداری کنیم. متأسفانه مجبور شدم به آنها بگویم که مشکل تو نه تنها نادر نیست، بلکه رواج قابل توجهی هم دارد. وقتی در سایت تبیان که وابسته به دولت ایران است می‌خوانیم سن فحشا در ایران به 12 سال **رسیده است**، فکر می‌کنید یک کودک دوازده ساله به میل خود تن به خودفروشی می‌دهد؟ چه کسی بر او تسلط دارد؟ اگر نه توسط والدین لاقول بدون اجازه والدین چگونه اینکار ممکن است؟

ای کاش اطلاعات بیشتری از وضعیت و موقعیت زندگی خودت می‌دادی تا می‌توانستم بهتر راهنمایی کنم. در هر حال این را می‌دانم که پاسخ اصلی من به تو این است که تنها خودت میتوانی خود را از این وضعیت فلاکت بار برهانی. اگر نشسته‌ای که معجزه ای رخ بدهد و تو بی هیچ دردسری از این منجلاب بیرون بیایی، انتظار بیهوده‌ای است که تو را هرروز بیشتر از روز پیش در این گرداب مهلک فروخواهد برد. تو بدون شک قربانی مظلوم و نابرابر یک ظلم عظیم هستی، ولی تا وقتی به خودت تنها به این دید نگاه کنی، نجات نخواهی یافت. باید به خودت اطمینان کنی و بدانی که آنقدرها هم ناتوان نیستی. در واقع توان تو از آنچه تصور میکنی بیشتر است. مشکل اصلی درون خودت است که بخاطر ظلم مادرت، احتمالاً فکر میکنی هیچ کاری از دستت بر نیاید. اینطور نیست. وضعیت تو با سایر قربانیان خشونت خانگی یک تفاوت مهم دارد. تو بدون شک از حمایت قانون و نیروی انتظامی برخوردار خواهی بود. در این رابطه توصیه میکنم با مشاورین حقوقی خانه امن تماس بگیری و راهنمایی‌های لازم را دریافت کنی.

نمیدانم دسترسی به دنیای بیرون داری یا نه؟ آیا برای امکان خروج از منزل هست؟ آیا به تلفن دسترسی داری؟ آیا به جز مادرت با کسی دیگر از افراد خانواده، دوستان و فامیل در ارتباط هستی؟ همه اینها برای تو امکان نجات را فراهم می‌کنند. اگر می‌توانی از منزل خارج شوی، به نزدیکترین مرکز اورژانس اجتماعی مراجعه کن و مشکل خود را با آنها در میان بگذار. تقریباً مطمئنم که تو را آنجا نگاه خواهند داشت و از حمایت‌های لازم برخوردار خواهی شد. اگر به تلفن دسترسی داری با صدای مشاور سازمان بهزیستی تماس بگیر و تقاضای کمک کن. آنها آدرس مرکز اورژانس اجتماعی که نزدیک است را در اختیارت می‌گذارند.

اگر کسی از آشنایان، دوستان، همسایگان و یا فامیل به شما سر میزنند، خجالت نکش و دور از چشم مادرت از او کمک بخواه. البته باید مطمئن باشی که آن فرد به جای کمک به تو، حرفهایت را با مادرت در میان نخواهد گذاشت. گفتی که تا یکسال پیش به مدرسه می‌رفتی. اگر می‌توانی با مدیر، مشاور یا هرکدام از مسئولان مدرسه که صلاح میدانی تماس بگیر و کمک بخواه. موارد متعددی که کم و بیش وضعیت مشابهی داشتند، دیده‌ام که توسط آموزش و پرورش مورد حمایت قرار گرفته‌اند. در نهایت اگر هیچکدام از مواردی که برشماردم برای امکان ندارند، هرطور هست با پلیس 110 تماس بگیر و از آنها کمک بخواه. تاکید کن که در صورت مراجعه به منزل، به حرف مادرت گوش نکنند و به زور وارد شوند. همانطور که گفتم بهتر است این سوالات را از مشاورین حقوقی خانه امن بپرسی.

کارهایی که پیشنهاد کردم هیچکدام آسان نیستند. ولی مثل سایر موارد به تو هم می‌گویم که برای مشکلات راه حل آسانی وجود ندارد. خودت میدانی که وضعیت از اینکه هست بدتر نخواهد شد. میدانم که در اثر ناملایماتی که برای سن و سال تو طاقت فرسا هستند، قدرت تصمیم‌گیری و اعتماد بنفس تو به شدت خدشه دار شده؛ ولی همین که از این وضعیت بیزار هستی و دلت میخواهد آنرا تغییر دهی نشان میدهد که هنوز از قدرت تشخیص خوبی برخوردار و درست و غلط را از هم تشخیص میدهی. باید به ترسهایت غلبه کنی و کاری بکنی. میدانم کار سختی است ولی از وضعیت فعلی که در آن گرفتاری حتماً بهتر است. از صمیم قلب برایت آرزو میکنم که موفق شوی.